

" به جرم عشق توام می کشند و غوغایی ایست

تو نیز بر لب بام آ که خوش تماشا ایست"

سلام و درود بر یکایک شما عزیزانی که دل در گرو انرژی تجدید پذیر دارید و با علاقه تمام در این همایش شرکت کرده و اعتقاد دارید که توسعه انرژی تجدید پذیر از الزامات توسعه اقتصادی کشور عزیزمان ایران است.

همه ساله دوستان من در انجمن انرژی و انجمن انرژی بادی نشست مشترکی را برگزار می کنند تا زمینه ای برای بحث در ارتباط با مساله مهم انرژی و انرژی تجدید پذیر فراهم آمده و به آسیب شناسی دلایل شرایط نامطلوب کشور در این بخش پرداخته شود. لذا لازم می دانم از همکارانم که زحمت هماهنگی این نشست را کشیده اند تشکر و قدردانی کنم.

حقیقت این است که وقتی برنامه نشست را مرور کردم مخالفت خود را اعلام کردم چون قرار بود بنده در ابتدا سخنرانی طولانی داشته باشم. به دوستان گفتم در کشوری که:

- ظرف ۴۰ سال نیمی از جنگل های خود را از بین برده است

- رئیس جمهورش برای افتتاح یک فاز نیمه کاره از یک نیروگاه حرارتی حضور پیدا می کند،

- وزیر نیرویش در به در به دنبال یک پروژه نیروگاه خورشیدی با هر ظرفیتی است که با افتتاح آن ژست تجدید پذیری بگیرد و از قافله عقب نماند،

صحبت کردن در مورد انرژی تجدید پذیر به مسخره گرفتن خودمان است و من به هیچ وجه اجازه این جسارت را به خود نمی دهم. به قول مشیری،

" صحبت از پرمردن یک برگ نیست

وای جنگل را بیابان می کنند"

در هر حال علیرغم تلاش فراوان، زور دوستان بر من چربید و قرار شد چند دقیقه ای در خدمتتان باشم.

در هفته های اخیر شاهد اتفاقات عجیب و غریبی در کشور بوده ایم. از یک طرف هر شب در تلویزیون شاهد جلسات دادگاه هایی هستیم که به زینت آقازاده ها مزین شده و عدد و رقم ها هم بسیار فراتر از نجومی است. اینجاست که به مزایای حذف چهار صفر از پولی ملی پی می بریم! در راستای حفظ یکپارچگی و هماهنگی هم شاهد آن هستیم که قوه مقننه نیز در این مسابقه تمام عیار شرکت داشته و دو تن از نمایندگان با هم دستی مافیای خودرو سخت مشغول انجام وظیفه نمایندگی خود بوده اند! البته که قوه قضائیه هم در این ماجرا بی بهره نمانده و دو تن از روسای پیشین آن که در این چهل سال نیمی از دوران مسئولیت این قوه را عهده دار بوده اند، به صورت علنی به لجن پراکنی مشغولند.

و جالب این که در این وانفسای مبارزه با فساد، معاون اول رئیس جمهور می فرمایند، "فساد گسترده مردم را رنج می دهد!"

از کرامات شیخ ما این است

شیرینی را خورد، گفت شیرین است

تاسف بارتر آن که در این دوران همواره تعهد را بر تخصص ترجیح داده و این چنین از ناکجا آباد سر در آورده ایم. بسیاری از این عزیزانی که تنها دل مشغولی شان حفظ اسلام، نظام و انقلاب بوده و حال متهم به اختلاس های کلان هستند، از فیلتر شورای نگهبان نیز با موفقیت عبور کرده اند! آدم واقعاً می ماند که با خود چه کرده ایم و چه می کنیم؟

بله دوستان، با کمال تاسف و با دلی آکنده از اندوه باید بگوییم که در چنین شرایطی صحبت از انرژی تجدید پذیر بیشتر به کارتن می ماند تا داستان واقعی.

اجازه بدهید قبل از پایان عرایضم نظر شما را به دو نمونه جلب کنم. چند روز پیش در یک واحد صنعتی شاهد راه اندازی نیروگاه خورشیدی با ظرفیت ۱۰۰ کیلو وات بودم و از سر کنجکاوی قیمت

تمام شده واقعی و پیش بینی درآمد را پرسیدم و با یک محاسبه ساده به این نتیجه رسیدم که دوره باز پرداخت سرمایه حدود ۸ سال است. شما عزیزان از وزیر نیرو سوال کنید که در کشوری با سود سپرده بانکی در حدود ۲۰٪، ایشان حاضرند با پول خودشان چنین سرمایه گذاری کنند؟ گام اول در فراهم آمدن شرایط لازم برای توسعه انرژی تجدید پذیر برخورداری از جذابیت اقتصادی است. یکی دو سال پیش شاهد افزایش قابل توجه نرخ ارز بودیم و وزارت نیرو هنوز که هنوز است ضرایب مربوطه در نرخ خرید تضمینی را اعمال نکرده است و از این طریق عملاً گور انرژی تجدید پذیر را کنده و فاتحه اش را نیز خوانده است.

اما وقتی می توانیم انتظار اعمال سیاست های صحیح در زمینه انرژی تجدید پذیر داشته باشیم که شرایط انرژی مان درست باشد. یعنی باید از کل به جزء برویم. بیائید نگاهی کوتاه به آمار مصرف انرژی فسیلی در کشورمان بیاندازیم. در کشور روزانه معادل ۱/۷ میلیون بشکه فرآورده های نفتی و ۶۰۰ میلیون متر مکعب گاز مصرف می شود که ارزش حرارتی گاز مصرفی معادل ۴/۰ میلیون بشکه نفت است. بدین ترتیب جمع مصرف سوخت های فسیلی کشور معادل ۵/۷ میلیون بشکه در روز است. قابل توجه اینکه در سال ۵۶ این رقم ۰/۵ میلیون بشکه بوده و در آن تاریخ صادرات کشور حدود ۶/۰ میلیون بشکه در روز بوده است. یعنی در سال ۵۶ ما ۱۲ برابر مصرف داخلی مان صادرات نفت داشته ایم. امروز مصرف روزانه ما به ۵/۷ میلیون بشکه در روز رسیده و از آنجا که جرات محاسبه نسبت مصرف داخلی به میزان صادرات را ندارم، آن را به خودتان وامی گذارم!

چنانچه قیمت هر بشکه فرآورده نفتی را ۸۰ دلار و هر متر مکعب گاز را به ۳۰ سنت در نظر بگیریم می بینیم که ارزش فرآورده های نفتی مصرفی کشور در سال معادل ۱۱۵ میلیارد دلار است. با توجه به این که تولید ناخالص داخلی ایران حدود ۴۵۰ میلیارد دلار است، بدین ترتیب نسبت مصرف سوخت به تولید ناخالص داخلی بالغ بر ۲۵٪ است و آن را با کل بودجه پژوهشی کشور مقایسه کنیم که کمتر از ۰/۵٪ است!

این فاجعه است که اقتصاد انرژی را طوری برنامه ریزی کرده ایم که برای تولید هر ۴ تومان کالا و خدمات ۱ تومان انرژی مصرف می کنیم. این سیستم قطعاً ناپایدار است و کسی هم به فکر نیست. اجازه بدهید این شرایط را با کشور ترکیه مقایسه کنیم که با جمعیت برابر با ایران تولید ناخالص داخلی آن دو برابر ایران است. مصرف فرآورده های نفتی ترکیه معادل ۷۸۰ هزار بشکه در روز یعنی ۴۵٪ مصرف ما و مصرف روزانه گاز آن حدود ۱۵۵ میلیون متر مکعب یعنی ۲۵٪ مصرف ماست و با این مقدار مصرف انرژی دو برابر ما تولید می کند.

در چنین شرایطی چگونه می توان انتظار داشت که انرژی تجدید پذیر در کشور توسعه یابد، سیاست انرژی اصلاح شود و کشور، کشور شود؟

و کلام آخر اینکه شما عزیزان بحمد... همگی هم اهل علم هستید و هم تقوی و موعظه بنده بی علم و حلم هیچ محلی از اعراب ندارد. به قول حضرت حافظ،

" صلاح و توبه و تقوی زما مجو حافظ "

ز رند و عاشق و مجنون کسی نیافت صلاح "

با آرزوی اینکه ملت ایران از خواب غفلت بیدار شده و کشور را در مسیر توسعه و پیشرفت قرار دهد، همه شما را به خداوند سپرده و بهترین ها را برایتان آرزومندم.